

موسوم به «کافور»^۱ برای نظارت بر حسن اجرای توافق در آنجا مستقر شدند. (Quackenbush, 2014)

بعد از پایان این بحران، در سه مورد دیگر در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ درگیری‌های داخلی مجدداً اوج گرفتند، که خونین‌ترین آن‌ها درگیری‌های سال ۲۰۰۴ بود. (Collaku, 2015) درگیری‌های سال ۲۰۱۳ با میانجیگری اتحادیه‌ی اروپا پایان یافت. (Vasovic & Pawlak, 2013) که می‌توان آن را موفقیتی برای اتحادیه دانست. بحران کوزوو در سال ۱۹۹۸، اولین جنگ ناتو، و اولین مداخله‌ی نظامی این سازمان، بدون مجوز شورای امنیت بود. درعین حال در این بحران اولین بار سازمان ملل کنترل اداری یک منطقه را به دست گرفت. درنهایت این مداخلات باعث ایجاد جدیدترین کشور اروپایی شد. (Bislimi, 2012)

بحران اکرین زمانی شروع شد که ویکتور یانوکویچ در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ در برابر دریافت ۱۵ میلیارد دلار کمک از روسیه، توافق تجاری خود با اتحادیه‌ی اروپا را به حالت تعلیق درآورد. به دنبال آن سه ماه اعتراض خیابانی باعث شد، تا دولت وی در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ سقوط کند. پس از آن مردان مسلح طرف‌دار روسیه، پارلمان و دو فرودگاه در کریمه را تصرف کردند. در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ رفراندومی در کریمه برگزار شد که در آن مردم به‌الحاق این بخش به روسیه رأی دادند. ۱۱ می همان سال لوهانسک و دونتسک اعلام استقلال کردند. به دنبال انتخاب پترو پروشنکو، در ۲۷ جون ۲۰۱۴ قرارداد تجاری مابین اکرین و اتحادیه‌ی اروپا امضا شد. پس از چندین بار شکست مذاکرات، در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ سران اکرین، روسیه، آلمان و فرانسه، برای پایان دادن به خشونت‌ها به توافق رسیدند که به توافق مینسک دو مشهور شد. مقایسه‌ی کوزوو و کریمه از ابتدا با انگیزه‌های سیاسی و از سوی ولادیمیر پوتین مطرح شد. (Putin, 2014) در واقع استقلال کوزوو توجیهی بود برای الحاق کریمه. در این میان اما مخالفان می‌گویند که اولاً خونریزی‌ها در کریمه انگیزه‌ی دخالت غرب بوده درحالی‌که در کریمه، هیچ خشونت سازمان‌یافته‌ای مشاهده نشده بود. دلیل دیگر اشاره به رأی مشورتی